جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی ، سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص: ۸۳-۱۰۴
Journal of Comparative Hadith Sciences, Fall and Winter ۲۰۲۲, ۸(۱۵), P:۸۳-۱۰۴

The Role of Monotheism in Preventing Economic Corruption of In-charges from the Perspective of Nahj al-Balaghah*

Hamidreza Sarvarian[۱]
Negin Davoodi Juneqani[۲]
Majid Davoodi Juneqani[۳]

Abstract

Monotheism is one of the important issues of belief that separates pure and real human life from ordinary life. In addition to individual life, human beings also have various social responsibilities and are required to observe them. One of the responsibilities is defined in the economic dimension, which is one of the most fundamental issues of governments and the life of society, and in the view of the Supreme Leader of the Revolution, is a decisive point. Unfortunately, Iran is facing the ominous phenomenon of economic corruption that the Supreme Leader in the fourth paragraph of the declaration of the second step, addressed to the nation with the headline "Justice and the fight against corruption", and pointed out the importance and public duty in its realization. According to the results of this study, the elimination of corruption causes justice in society, poverty alleviation and creating public hope and trust in in-charges. In the present article, with a descriptive and analytical method, it was tried to explain the effect of monotheistic thought as an important deterrent factor in preventing economic corruption of in-charges inspired by Imam Ali's (A.S) statements.

Keywords: Monotheistic Thought, Economics, Economic Corruption, Declaration of the Second Step of the Revolution.

*. Date of receiving: ۱۲,۱۰,۲۰۲۱ - Date of approval: ۲۰,۱۲,۲۰۲۱.

۱. Associate Professor of Hazrat Masoumeh University of Qom. (h.sarvarian@hmu.ac.ir)

۲. Master of Hadith Sciences, Orientation in Nahj al-Balaghah, (Corresponding Author); (davoodijuneghani@gmail.com).

۳. Master Student of Administrative Procedure Law, Tehran University of Judicial Sciences and Administrative Services; (davoodimajid@gmail.ir).

جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی ، سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص: ۸۳-۱۰۴
Journal of Comparative Hadith Sciences, Fall and Winter ۲۰۲۲, ۸(۱۵), P:۸۳-۱۰۴

نقش توحیدباوری در پیشگیری از مفاسد اقتصادی کارگزاران از منظر نهج‌البلاغه*

حمیدرضا سروریان[۱] – نگین داودی جونقانی[۲] – مجید داودی جونقانی[۳]

چکیده

توحید از مباحث مهم اعتقادی است که زندگی پاک و واقعی انسان را از زندگی معمولی جدا می‌سازد. انسان علاوه بر زندگی فردی، مسئولیت‌های گوناگون اجتماعی را نیز دارا بوده و ملزم به رعایت آنهاست. یکی از مسئولیت‌ها، در بُعد اقتصادی تعریف شده که از اساسی‌ترین مسائل حکومت‌ها و حیات جامعه به‌شمار می‌آید و در نگاه رهبر انقلاب، یک نقطهٔ کلیدی تعیین‌کننده است. امّا متأسفانه کشور ایران با پدیده شوم فساد اقتصادی مواجه بوده که مقام معظم رهبری در بند چهارم بیانیهٔ گام دوم، خطاب به ملت با تیتر «عدالت و مبارزه با فساد» به اهمیت و یک وظیفهٔ همگانی در تحقق آن اشاره نموده است. بر اساس نتایج این پژوهش، از بین رفتن فساد، سببِ عدالت در جامعه، فقرزدایی و ایجاد امید و اعتماد عمومی مردم به کارگزاران می‌باشد. در مقاله حاضر به روش توصیفی و تحلیلی تلاش شد تا تأثیر اندیشهٔ توحیدی به‌عنوان عامل مهم بازدارنده در پیشگیری از فساد اقتصادی کارگزاران با الهام از بیانات علوی تبیین گردد.

واژگان کلیدی: اندیشهٔ توحیدی، اقتصاد، مفاسد اقتصادی، گام دوم انقلاب.

---

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹.

۱. دانشیار دانشگاه حضرت معصومه (س) قم؛ (h. sarvarian@hmu.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث گرایش نهج‌البلاغه، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، (نویسندهٔ مسؤول)؛ (davoodijuneghani@gmail.com).

۳.دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دادرسی اداری دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران؛ (davoodimajid@chmail.ir).

مقدمه

فساد اقتصادی از جمله چالش‌هایی است که بسیاری از جوامع اسلامی و غیر اسلامی با آن مواجه بوده و این پدیده شوم علاوه بر ایجاد ناامیدی در مردم منجر به ایجاد شکاف میان دولت و ملت شده است؛ بدین علت که به بیان رهبر انقلاب «فساد اقتصادی و دیگر مفاسد تودهٔ چرکین کشورها و نظام‌ها اگر در بدنهٔ حکومت‌ها عارض‌شود، زلزلهٔ ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیّت آنها است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۱) و مانعی بزرگ برای تحقق هدف والای اسلام یعنی عدالت و رفاه اجتماعی است. بنابراین حکومت اسلامی موظف است که به مبارزه با این پدیده که اسباب انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع را فراهم می‌آورد، همت گمارد. همان گونه که حضرت امیر دلیل خود از قبول حکومت را برپایی نشانه‌های دین خدا و یاری ستم دیدگان بیان نمودند (سید رضی، ١٤١٤: ۱۸۹) به‌سبب اهمیت این مسئله رهبر معظم انقلاب در بیانی‌های که سرنوشت‌سازترین حوادث و رخدادهای پیش از انقلاب و پس از آن را بیان نموده‌اند بر مبارزه جدی با فساد اقتصادی تاکید داشتند؛ بدین سبب که مبارزه با فساد اقتصادی گام بلندی در تحقق عدالت علوی یعنی آرمان بزرگ انقلاب اسلامی است. ایشان در جلسات و سخنرانی‌های متعدد دولت را مرکز اصلی مبارزه با فساد اقتصادی معرفی (خامنه‌ای، ۱۳۸۲) و از دولتمردان خواستند که وارد میدان عمل شده و با مفسدین برخورد جدی داشته تا امنیت اقتصادی در جامعه محقق گردد. ایشان فرمودند: «همه باید بدانند طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت اسلامی است. همه باید از شیطان برحذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌های با ایمان، جهادگر و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۱). بدین‌ترتیب تأمین امنیت اقتصادی از مهم‌ترین کارکرد دولت‌ها است که تنها از طریق مدیریت و نظارت دقیق و به‌کارگیری کارگزاران شایسته محقق می‌گردد. این پژوهش به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که برخورداری از بینش توحیدی تا چه حد در پیشگیری از فساد اقتصادی کارگزاران ثمربخش است؟ نگارندگان درصدد بیان این مسأله هستند که برخورداری از ایمان و اعتقاد به خداوند عاملی مهم در جهت از بین رفتن فساد اقتصادی در میان کارگزاران است؛ زیرا بینش توحیدی و مرتبهٔ ایمان افراد در تمام زندگی آنها متبلورشده و هرکس به اندازهٔ معرفت و بندگی‌اش در برابر خدا، رفتار خود را سامان می‌دهد و هر آنچه سر انسان می‌آید انعکاس

رفتار خود اوست. مطابق آیات قرآن اعمال و رفتارهای انسان عامل اصلی ایجاد فساد در جامعه است و خداوند با نزول مجازات‌های مختلف می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال انسان‌ها را به آنها بچشاند شاید از عملکرد خود توبه نموده و به‌سوی او بازگردند تا بهآنهای برای روز حساب نداشته و مهلتی نیز در این دنیا داشته باشند (روم: ٤١).

بنابراین برعهده سطوح بالای حاکمیت و همهٔ اقشار مردم است که از باب وجوب امر به معروف و نهی از منکر دست به‌دست هم داده، با برنامه‌ریزی و با اراده کامل به مبارزه با مفاسد به‌ویژه مفاسد اقتصادی بپردازند؛ زیرا فساد اقتصادی مهم‌ترین عامل تهدیدکننده اقتدار ملی و موجودیت هر کشور است که مقبولیت مردمی و اعتماد عمومی در هر جامعه‌ای را تضعیف و سرمایه اجتماعی آن را دچار انقباض می‌کند پس ضرورت دارد که به‌طور جدی به این مهم پرداخته شود. در همین راستا این پژوهش با روش تحلیل اسنادی به شیوه توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از مهم‌ترین منابع اسلامی یعنی قرآن کریم و کتاب شریف نهج‌البلاغه، همچنین کتاب‌های لغوی و حدیثی شیعه به بررسی این مهم پرداخته است. پلان مقاله در سه بخش تعریف مفاهیم، ویژگی‌های کارگزاران از نگاه امام علی علیه‌السلام، تأثیر بینش توحیدی بر پیشگیری از فساد اقتصادی کارگزاران طراحی گردیده است.

با توجه به جستجوی نگارندگان در سامانه‌های علمی و رایانه‌ای و وبگاه‌های اینترنتی تصریح می‌شود که هیچ مقاله یا رساله‌ای در خصوص این موضوع پیدا نشد، امّا دربارهٔ اقتصاد و مفاسد اقتصادی کتاب‌ها و تحقیقات متعددی تهیه گردیده است که از جمله آنها: کتاب «فساد مالی» از غلامعلی معصومانیا و حسن دادگر و مقاله «سازوکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی علیه‌السلام» از سیدمحمدحسین سرکشیکیان و. . . را می‌توان نام برد.

الف. تعریف مفاهیم

۱. اندیشه توحیدی

زندگی انسان ترکیبی از اندیشه و عمل است که با اتصاف هریک از این دو به غیر خدا زندگی انسان مختل و سعادتمندی او به خطر می‌افتد. وقتی می‌گوییم انسان باید اندیشه توحیدی داشته باشد، اندیشیدن به این نحو که تنها منشأ و حقیقت هستی را خداوند بداند و بر این اساس نباید هیچ پدیدهای را بدون ارتباط با او در نظر بگیرد. انسان موحد با انعکاس این اعتقاد در عمل به پروردگار خود نزدیک و بندگی خود را در برابر او نمودار می‌سازد، زیرا در قرآن کریم آمده است: «مَنْ ذَا الَّذِی

يشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِه»؛ «کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟!» (بقره: ۲۵۵) خداوند متعال به هر کسی اجازه شفاعت نمی‌دهد بلکه این اذن برای انبیاء، اولیا و بندگان صالحی است که اوامر پروردگار خویش را با جان و دل اجرا نموده و زندگی اخروی را که ورود به سرای رحمت خاص است بر زندگی دنیوی ترجیح داده‌اند. به‌عبارت دیگر موحد راستین جز خداوند متعال را شایسته پرستش نمی‌داند و اعمالش خالص و تنها برای رضایت او است. این اندیشه توحیدی که اعتقاد به وحدت حقه الهی در ذات، صفات و افعال است به انسان نشان می‌دهد که هیچ ذات و فعلی مستقل از ذات و فعل خداوند وجود ندارد. انسان با این نگاه درمی‌یابد که خُرد و کلان هستی در اختیار خداست؛ هرچه و هرکس را که بخواهد موجود یا نابود می‌کند، به هرکس بخواهد می‌بخشد و از هرکس که بخواهد می‌ستاند، هرکس را بخواهد عزت می‌بخشد و هرکه را اراده کند، بر خاک ذلت و خواری می‌نشاند. بنابراین، برای انسان برخوردار از اندیشه توحیدی معنا ندارد که پیش غیر خدا گردن کج کند، دست نیاز ببرد یا چیزی بطلبد یا زور بشنود و دم بر نیاورد. یا در جامعه برای ایجاد تبعیض و فاصله طبقاتی تلاش نماید. پس بینش توحیدی باید در روابط اجتماعی، حکومت داری، زندگی فردی وجود داشته باشد تا همگان به سمت آن مسیری که خداوند متعال انسان را برای آن آفریده در حرکت باشند و به سعادت حقیقی دست یابند.

۲. اقتصاد

اقتصاد از ریشه قصد به‌معنای خواستن، رفتن، قصد چیزی یا کسی را داشتن و در اندیشه کاری بودن است. فراهیدی اقتصاد را به‌معنای میانه‌روی و اعتدال آورده و در این باره گفته است: «القَصْدُ استقامة الطريقة و القَصْدُ فی المعيشة ألا تسرف و لا تقتر» (فراهیدی، ۱٤۱٤: ٥٤/٥)، بدین مفهوم که قصد به‌معنای پایداری در راه است و میانه‌روی در زندگی اقتصادی به این معنا است که نه اسراف داشته باشی و نه سخت‌گیری. امام علی علیه‌السلام در سخنی که مؤید معنای اقتصاد است فرمودند: «مَا عَالَ مَنِ اقْتَصَدَ؛ هرکس میانه‌روی پیشه کند نیازمند نگردد» (سید رضی، ۱٤۱٤: ٤۹٤) عمدهٔ معانی که برای اقتصاد در کتاب‌های لغوی ذکر شده است همین معنای میانه‌روی و داشتن اعتدال است (طریحی، ۱۳۷٥: ۱۲۷/۳). امّا اقتصاد در اصطلاح دانشی است که به بررسی فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، مبادله و مصرف کالا و خدمات می‌پردازد (هاشمی رفسنجانی و محققان، ۱۳۸٦: ۱۲۲/٤). به کارگیری صحیح اصول اقتصادی اسباب رشد و پیشرفت یک جامعه را فراهم و توازن

اجتماعی را در آن جامعه برقرار می‌سازد. همچنین جامعه را در برابر مسائل و مشکلات اجتماعی و طبیعی قدرتمند ساخته و شکوه و عظمت آنها را در برابر دیگر جوامع حفظ می‌نماید.

۳. مفاسداقتصادی

فساد مصدر لازم «فَسَدَ» به‌معنای تباه شدن، ازبین رفتن، فتنه و آشوب، تغییرکردن، شرارت و بدکاری (فراهیدی، ۱٤۱٤: ۲۳۱/۷) خشکی و بی‌حاصلی بیابانها و شهرهای کنار رودخانه است (ابن‌منظور، ۱٤۰۵: ۳۲۵/۳). راغب اصفهانی در معنای فساد نوشته است: «فساد خارج‌شدن از حد اعتدال است چه اندک باشد یا بسیار و نقطه مقابل فساد صلاح است. واژه فساد در نفس، بدن و اشیائی که از استقامت و ثبات خارج شده است هم به کار می‌رود» (راغب اصفهانی، ۱۳۷٤: ٥٥/٤). بدین ترتیب وقتی چیزی دارای نظم طبیعی و بدون نقص باشد صلاح خواهد بود امّا اگر این نظم و اعتدال به هم بخورد فساد در آن راه می‌یابد و چیزی که دارای فساد باشد «فاسد» نامیده می‌شود. فساد همانند یک بیماری مسری می‌تواند از یک نهاد به نهادی دیگر سرایت کند تا اینکه تمام یک نظام حکومتی را آلوده و نابود نماید. برای فساد صورت‌های مختلفی است؛ مهم‌ترین آن که از عوامل تخریب بنیادهای اقتصادی جامعه به‌شمار می‌رود فساد اقتصادی است. فساد اقتصادی خود نیز انواع مختلفی دارد که می‌تواند به‌صورت مخفیانه یا آشکارا انجام بگیرد. ازجمله آنها رشوه، اختلاس، کلاهبرداری و ویژه‌خواری است. (رحیمیان، ۱۳۹۳: ۹ و ۱۰٤/۱۰) این نوع فساد می‌تواند براساس بی‌برنامگی دولت‌ها، بی‌نظمی مالی، قوانین ناکارآمد، بی‌تقوایی و زیاده‌خواهی برخی از کارگزاران یا عدم کنترل و نظارت صحیح و برخورد به موقع با افراد مفسد صورت بگیرد. (گروه بنیادین حکومتی، ۱۳۹٤: ۱) به بیانی دیگر فساد اقتصادی می‌تواند امنیت سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به‌خطر انداخته و تمایل آنها را نسبت به فعالیت اقتصادی از بین ببرد. بدین ترتیب بازار فعالیت‌های اقتصادی تنها در انحصار عده خاصی خواهد بود و سود حاصل از آن هم به جیب همان خواص خواهد رفت. امام علی‌علیه‌السلام دربارهٔ نقش کارگزاران و دستگاه حاکمیت در ایجاد این نوع فساد فرمودند: «وَإِنَّمَا يؤْتَى خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا، وَإِنَّمَا يعْوِزُ أَهْلُها لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوُلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ، وَسُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ، وَقِلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ؛ ویرانی زمین تنها به علت فقر صاحبان آن حاصل می‌شود و فقر آنها تنها به‌سبب توجّه زمامداران به جمع مال و زراندوزی و بدگمانی به بقای حکومتشان و کم عبرت گرفتن (از سرنوشت زمامدارانِ پیشین) خواهد بود» (سید رضی، ۱٤۱٤: ٤۳٦).

٤. بیانیهٔ گام دوم انقلاب

انقلاب اسلامی ایران با همت مرد خدا امام خمینی (ره) و رهبری‌های پیامبرگونه‌اش به پیروزی رسید. حضرت امام (ره) بت‌های ظاهر و باطن را شکستند و با ایجاد انقلاب اسلامی خانهٔ حقیقتی را بنا نهادند که کعبهٔ دل‌های مردم است. ایشان توانستند اسلام را از انزوای سیاسی بیرون آورده و مسلمانان را بر قله‌های عزت و سربلندی نشانده و ابهّت قدرت‌های استکباری را درهم شکنند. مقام معظم رهبری یکی از دلایل منحصربه‌فرد بودن انقلاب اسلامی را حضرت امام معرفی و فرمودند: «انقلاب اسلامی بی‌نام خمینی (ره) در هیچ جای جهان شناخته شده نیست» (مقدمه رهبری برصحیفه نور). بعد از آن مردخدا و با آمدن رهبری حکیم و فرزانه، همچنین کوشش دوستدارانش انقلاب اسلامی پله‌های موفقیت و سربلندی را یکی بعد از دیگری پشت سر می‌گذارد و تمام نقشه‌های شوم مستکبران را باطل می‌سازد. حضرت آیت‌الله خامن‌های بعد از رحلت رهبر کبیر انقلاب در بیانی‌های به ارزیابی یازده ساله انقلاب پرداختند. سپس در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۱ در بیانیه دیگری انقلاب را ارزیابی نموده و دقیقا بیست سال بعد از آن تاریخ یعنی۱۳۹۷/۱۱/۲۲ بیانی‌های با عنوان بیانیهٔ گام دوم انقلاب ارائه و به ارزیابی چهل ساله از انقلاب اسلامی پرداختند. با توجه به اینکه در طول چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی دستاوردهایی حاصل گشته امّا هنوز آرمآنهای انقلاب به‌طورکامل محقق نشده است، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) گام دوم انقلاب را «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» معرفی نمودند. ایشان با ارائه این بیانیه و خطاب قراردادن جوانان به‌عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی، به بیان مسائل نو به نو انقلاب از پیشینهٔ وقوع تا دستاوردهای چهل ساله آن پرداخته و درواقع یک بیانیه ایدئولوژیک ارائه دادند. این بیانیه فصل جدید زندگی را برای جمهوری اسلامی رقم خواهد زد و انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و ظهور حضرت بقیة الله الاعظم (عج) است نزدیک‌تر خواهد ساخت.

ب. ویژگی‌های کارگزارن در نهج‌البلاغه

در سیرهٔ حکومتی حضرت امیرعلیه‌السلام توجه به صلاحیت‌های اخلاقی و علمی کارگزاران از اهمیت ویژهای برخوردار است؛ به‌نحوی که حضرت در بیانات متعددی یکی از عوامل فروپاشی و ناکارآمدی نظام‌های سیاسی را، مدیریت ناصحیح معرفی نمودند. در نامه‌های آن بزرگوار برای حاکمان و کارگزارن به ویژگی‌ها و خصوصیات یک فرد در جایگاه حکومتی و مسئولیتی اشاره گردیده که در ادامه به آن

می‌پردازیم:

۱. تقوا

تقوا از ماده «وقی» به‌معنای حصار، قلعهٔ حمایت، حافظ، نگهدار و سپر است (حسینی زبیدی، ۱٤۱٤: ۳۰٤/۲۰). این حصار محکم الهی با تمرین ترک گناه به‌وجود می‌آید و انسان را در دنیا از شرور، فساد، معصیت و گناه در امان قرار داده و در آخرت نیز او را از عذاب دوزخ و آتش ابدی مصونیت می‌دهد (انصاریان، ۱۳۸٦: ۳٥٦). تقوا یک خصیصه لازم برای همهٔ انسان‌ها، قشرها و فعالیت‌های گوناگونِ آنها است، که اگر آن را پیشه خود سازند در ابتدا سودش به خودشان خواهد رسید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۰۹/٤). به‌عبارتی انسان با تقوا در جستجوی عدالت و دفع هرگونه ظلم و ستم است. همواره مراقب است که کار نادرست و بی‌قاعده از او سر نزند و مسئولیت‌های محول شده را به نحو احسن انجام دهد؛ زیرا هدفش خدا و جلب خشنودی اوست. بنابراین برخورداری از تقوا، معیار بسیار مهم برای کارگزار نظام اسلامی است که در نتایج و اهداف سازمانی هم تأثیر مطلوبی خواهد داشت. حضرت امیر علیه‌السلام همواره خطبه‌ها و نامه‌های خود را با توصیه به تقوای الهی آغاز و یکی از ویژگی‌های کارگزاران را تقوا می‌دانستند. ایشان در نامه به مالک اشتر او را به تقوای الهی و ترس از خدا امر نمودند: «أَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِيثَارِ طَاعَتِه؛ او را فرمان می‌دهد به ترس از خدا و مقدم داشتن طاعت خدا بر دیگر کارها» (سید رضی، ۱٤۱٤: ٤۲۷). برخوداری از این تقوای الهی در ارجمندی آدمی نقش‌آفرین است، «لاعزّ أعزّ من التّقوی» (همان، ٥٤۰)؛ چراکه فرد متقی از زیر بار مسئولیت‌ها و کارهای حساس شانه خالی نمی‌کند، او مشتاقانه می‌پذیرد و سختی‌ها و مشکلات این راه را به جان خریده و صبورانه آنها را رفع می‌کند. هرکس هم که از تقوای بیشتری برخوردار باشد، بی‌تردید در برابر مشکلات اعم از اقتصادی، اجتماعی و. . . صبورتر است که حضرت امیر در توصیف آنان فرمودند: «فی الزّلازل وقور؛ به هنگام دشواری‌ها بردبار است» (همان، ۳۰۳) بدین مفهوم که انسان‌های متقی در سختی‌ها و مشکلات جانکاه، چون کوه استوار هستند و با استقامتی که از پایگاه تقوی الهام می‌گیرد، بر مشکلات پیروز می‌گردند. حال برخورداری مسئولان به‌ویژه کارگزاران اقتصادی از این خصیصه مهم اسباب بهره‌وری از طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی را فراهم و اوضاع اقتصادی یک جامعه را بهبود می‌بخشد. همچنانکه حضرت علی فرمودند: «اتقوا الله فی عباده و بلاده، فانکم مسوولون حتی عن البقاع و البهائم، اطیعوا الله و لاتعصوه و اذا رایتم الخیر فخذوا به و اذا رایتم الشر فاعرضوا عنه

(سید رضی، ١٤١٤: ٢٤٢)؛ خدا را در نظر بگیرید در حق بندگانش و بلادش، زیرا که شما حتی در حق سرزمین‌ها و چهارپایان نیز مسئولید، اگر خیری دیدید آن را برگیرید و اگر شری دیدید آن را واگذارید». پس کارگزاران به‌عنوان خلیفة الله و خدمتگزار به مردم مسئولیت دارند و مسئولیتشان در صورتی پایان می‌پذیرد که زمین آباد و بشریت سعادتمند و نیازمندان و مستضعفان هم از زیر یوغ ستم آزاد گردند.

۲. ایمان به مبدأ هستی

از دیگرخصوصیات مهم کارگزاران در نگاه علوی، ایمان به پروردگار است. ایمانی که از اساسی‌ترین اهرم‌های بازدارنده از گناه است و در انسان آنچنان نیرویی به‌وجود می‌آورد که او را همچون سپری فولادین و نفوذناپذیر در برابر گناهان حفظ می‌کند. ایمان حقیقتی مربوط به روح و روان انسان است که در قلب و باطن او ریشه دارد؛ تا جایی که انسان با ایمان به کسی اطلاق می‌شود که اعتقاد او به خداوند متعال تا دل و جان او نفوذ کرده و تمام اخلاق و رفتار او را در برگرفته باشد. حضرت امیر در تعریف ایمان فرمودند: «الْإِيمَانُ تَصْدِيقٌ بِالْجَنَانِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛ ایمان تصدیق به قلب و اظهار و اعتراف به زبان و عمل به جوارح و اعضاست» (مجلسی، ١٤٠٣: ٧٤/٦٦). پس اصل ایمان همان باور قلبی است امّا عمل به وظایف دینی از لوازم حتمی آن به‌شمار می‌رود. امکان ندارد که کسی چیزی را از روی قلب باور نماید امّا برخلاف آن عمل کند، با این اوصاف اگر عمل او مطابق باور قلبی و ادعایش نباشد ایمانش واقعی نیست. ایمان مانند خورشید بر تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان نورافشانی می‌کند. آن آرامش و طمأنینه‌ای که در زندگی افراد با ایمان جلوه‌نمایی می‌کند نشانگر باور و اعتقاد قلبی آنها به خدا است که به هنگام حضور در سطح اجتماع، این باور خود را در ارتباط‌گیری با دیگران و مسئولیت‌هایشان نمودار می‌سازند. ایمان به خدا جزء پایه‌های حکومت نیز محسوب می‌گردد؛ به‌طوری که با فقدان آن، قوام و دوام جامعه اسلامی متلاشی شده و مانند قتل نفس یا فتنه و فساد است که نمی‌تواند قابل تحمل باشد (ولایی، ١٣٩٦: ٢٥٠). انسان با ایمان و متقی، خداوند متعال را ناظر دقیق و همیشگی بر اعمال خود می‌یابد که از همه ریز و درشت کارهای او بهتر از ناظران حکومتی آگاهی دارد. همان گونه که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «و أَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»؛ گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی‌کند) او به آنچه در دل‌هاست آگاه است» (ملک: ١٣) پس هیچ عملی از او نابود نمی‌گردد و خدا با قیمت بهشت و رضوان، خریدار تلاش اوست. حتی گاهی بدون تلاش و تنها به خاطر حُسن نیت انسان، اجر و پاداش مرحمت

می‌کند؛ پس او در راه کسب فضایل و رسیدن به سعادت و رضای خدا، با عشق و دلگرمی خدمت می‌کند و از این همه تلاش و کوشش، لذت می‌برد. ازاین‌رو هیچ سازمان و مؤسس‌های ضمانتی بر کنترل گناه در افراد ندارد آنگونه که ایمان به خداوند متعال نقش خلل‌ناپذیری را در بازداری انسان از گناهان ایفا می‌نماید. با این بیان وجدان بشری در سایهٔ ایمان به مبدأ و معاد اسباب تحولات روحی و اخلاقی را در افراد جامعه فراهم آورده و آنها را از کارهای خلاف شرع و قانون باز می‌دارد.

۳. اعتقاد به معاد

یکی دیگر از خصوصیات مهم کارگزاران اسلامی باور به معاد است. پیامبران و ائمه معصومان علیهم‌السلام در کنار توجه‌دادن مردم به خداپرستی، به معاد هم رهنمون می‌شدند. ایمان به معاد به انسان نوید زندگی جاوید را می‌دهد و انسان را برای آبادساختن آن زندگی به تلاش وا می‌دارد؛ زیرا، می‌بیند با مرگ، قدم در مرحله‌ای از زندگی می‌گذارد که به مراتب از زندگی در این دنیا وسیع‌تر و عالی‌تر است و آن را دیوار زندگی نمی‌داند، بلکه آن را دریچه و معبری به‌سوی دنیای وسیع‌تر می‌داند. مرگ نقطه پایان زندگی نیست، بلکه انتقال از زندگی دنیا به زندگی ابدی است. مرگ و معاد حق بوده و کارهای خداوند و آفرینش او عبث و بیهوده نیست. امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «فَاتَّقُوااللَّـهَ عِبَادَاللَّـهِ وَ بَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُم وَابْتَاعُوا مَا يبْقَى لَكُمْ بِمَا يزُولُ عَنْكُمْ... فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يخْلُقْكُمْ عَبَثاً وَ لَمْ يتْرُككُمْ سُدًى وَ مَا بَينَ أَحَدِكُمْ وَ بَينَ الْجَنَّةِ أَوِ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ أَنْ ينْزِلَ بِهِ؛ بندگان الله، از خدا بپرهیزید و با اعمال نیکو به استقبال اجل بروید و با چیزهای فانی شدنی دنیا آن چه که جاویدان می‌ماند خریداری کنید. خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وانگذاشت، میان شما تا بهشت و یا دوزخ فاصله اندکی جز رسیدن مرگ نیست» (سید رضی، ١٤١٤: ٩٥). به بیانی دیگر خداوند متعال این جهان با عظمت را مقدمه‌ای برای عالم وسیع‌تر قرار داده است چراکه، در سایه اعتقاد به معاد است که هستی هدفمند و رفتارهای انسان معنا می‌یابد. به همین دلیل اگر آدمی بداند آنچه در این دنیا انجام می‌دهد در سرای دیگر نیز همان را بازخواهد یافت، بدون تردید در رفتاروعملکرد خویش دقت و ملاحظه بیشتری خواهد نمود و اینگونه ملاحظات با توجه به ایمان و اعتقاد به روز جزاء، حس مسئولیت را در نهاد بشر بیدار می‌کند و فرد را به سمت و سوی وظیفه‌شناسی می‌کشاند و او را به رعایت حدود انسانی خود و احترام به حقوق قانونی دیگران وادار می‌سازد. به‌عبارتی معتقد به معاد به آسانی در اموال مردم خیانت نمی‌کند؛ زیرا خدا را حاضر و ناظر کار خویش می‌داند که از پنهان و آشکار هر شخصی و هر چیزی

باخبر است. پس باور دارد از حساب و کتاب و عذاب روز قیامت او را فراری نیست و هیچ عملی حتی به‌اندازه ذره ناچیز از او ضایع نمی‌شود.

٤. امانت داری

خصوصیت بسیار مهمی که از کارگزاران بیش از همه انتظار می‌رود امانتداری است. امانتداری از ارکان همهٔ ادیان الهی است که حدیث: «إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يبْعَثْ نَبِياً إلاّ بِصِدْقِ الْحَديثِ وَ أداءِ الامانهِ إلَى الْبِرِّ وَ الْفاجِرِ (کلینی، ١٤٠٧: ١٠٤/٢)؛ خداوند متعال هیچ پیامبری را به‌سوی نیکوکار و بدکار مبعوث نکرد مگر به راستگویی و امانت‌داری» بیانگر اهمیت این مطلب است. چنان‌چه حضرت امیر علیه‌السلام هم خطاب به حاکم بحرین که از حکومت به‌عنوان امانت الهی بهره گرفته بود فرمود: «فلقد احسنت الولایه و ادیت الامانه؛ حکومت را نیک انجام دادی و امانت را گزاردی» (سید رضی، ١٤١٤: ٤١٤). هرکس در هر پست و مقامی باید در حفظ امانت کوشا باشد امّا از کارگزاران نظام اسلامی انتظار بیشتری می‌رود؛ زیرا اموال، ناموس و شرف مردم نزد این‌ها به امانت سپرده شده و مردم به آنها اعتماد نموده‌اند پس نباید از اعتماد مردم سوءاستفاده نمایند. حضرت امیر علیه‌السلام در نامه به یکی از کارگزاران خود که خبر خیانت در امانت او را شنیده بود فرمودند: «... إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ رَبَّک وَ عَصَيتَ إِمَامَک وَ أَخْزَيتَ أَمَانَتَک؛ اگر چنان کرده باشی پروردگار خود را به خشم آورده‌ای و امام خویش را نافرمانی کرده و امانت خود را از دست داده‌ای... بدان که حساب خداوند از حساب مردم (در قیامت) سخت‌تر و برتر است» (همان، ٤١٢). منظور حضرت این است که آن‌کس که در امانت خیانت می‌کند هم در پیشگاه خدا، هم در پیشگاه امام خود مسئول است و هم اینکه خود را به رسوایی می‌کشاند و مردم را نسبت به خود بی‌اعتماد می‌کند. امام علی علیه‌السلام در سخنی منشاء این خیانت‌ها را کم‌تقوایی و بی‌دینی دانسته و فرمودند: «الْخِيانَةُ دَليلٌ عَلى قِلَّةِ الْوَرَعِ وَ عَدَمِ الدِّيانَةِ؛ خیانت، نشانه کمبود ورع و بی دینی است» (تمیمی آمدی، ٤٦٠: ١٣٦٦). اما فرد مؤمن متقی قطع به یقین امانتدار هم خواهد بود. به‌عبارتی همواره یک ناظر درونی را با خود دارد که به وی در این باره هشدار می‌دهد، او را از کارهای حرام و پیروی از هوای نفس باز می‌دارد که این خود عاملی مهم در جهت پیشگیری از فساد است.

٥. لیاقت و شایستگی

براساس آموزه‌های اسلامی پذیرش مسئولیت باید براساس تجربه و شایستگی باشد. بدین روش که

کارگزاران را طبق توانایی‌ها، باورها و ویژگی‌های شخصیتی و مهارتی باید به‌کار گمارد. حضرت یوسف زمانی‌که از زندان آزاد شد و عزیز مصر خواست مسئولیتی به وی بدهد، فرمودند: «قالَ اجْعَلْنِی عَلی خَزائِنِ الْأَرْضِ إِنِّی حَفِیظٌ عَلِیمٌ»؛ «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم» (یوسف: ۵۵). حضرت این مسئولیت را پذیرفت چون می‌دانست که یک ریشه مهم نابسامانی‌های آن جامعه مملو از ظلم و ستم در مسائل اقتصادی نهفته است، اکنون که آنها به حکم اجبار به سراغ او آمده‌اند، چه بهتر که مدیریت اقتصادی کشور مصر را در دست گیرد و به یاری مستضعفان بشتابد و به وضع بی‌سر و سامان آن کشور پهناور سر و سامانی ببخشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤: ۵/۱۰). در واقع خود می‌داند که با توجه با دو خصوصیت مهم امانتداری و تخصص، از توانایی لازم اداره امور کشور در این زمینه برخوردار است. در سیرهٔ علوی نیز به این مهم توجه شده و حضرت علی‌علیه‌السلام در سخنان متعددی به اهمیت این مسئله اشاره نموده‌اند: «أَیها النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَیهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّه؛ مردم سزاوار به خلافت کسی است که بدان تواناتر باشد، و در آن به فرمان خدا داناتر» (سید رضی، ۱٤۱٤: ۲٤۸). در این بیان، حضرت به دو رکن اساسی امر مدیریت یعنی علمی و عملی اشاره نموده‌اند، بدین مفهوم که یک مسئول، از نظر علمی باید از همه آگاه‌تر و از نظر عملی در امر مدیریت از همه قوی‌تر باشد (مکارم شیرازی، ٦: ۵۰۵/۱۳۸٦)؛ چراکه با شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری استعدادها شکوفا و جامعه به سمت سخت‌کوشی و انگیزه خدمت رهنمون و هدایت جامعه توسط افراد مستعد و خردمند محقق می‌گردد. با این اوصاف انتخاب کارگزارن بر اساس معیار شایسته‌گزینی یکی از راه‌های جلوگیری از فساد اقتصادی به حساب می‌آیدکه امیر بیان‌علیه‌السلام همواره تاکید داشتند که برای جلوگیری از فساد در انتخاب کارگزاران باید دقت شود و بعد از آزمودن کارگزاران، آنها را از خانوادهای نجیب، شایسته و پیشقدم در اسلام انتخاب کرد (سید رضی، ۱٤۱٤: ٤۳۵). رهبر انقلاب در بیانیهٔ گام دوم «نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی را مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور معرفی نمودند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۸). ایشان همچنین ویژگی‌هایی چون «جدی‌بودن در کار، آرام‌نداشتن برای کار، احساس مسئولیت برای اصل اقدام و کار و وظیفه‌ای که برعهده گرفته را بسیار مهم دانستند» همچنین تصریح نمودند: «اگر کسی واقعا در بخشی از بخش‌های کشور احساس می‌کند که کفایت لازم را برای این کار ندارد معلوم نیست که پذیرش آن کار مشروع باشد. چون قبول این کار به‌معنای این است که تعهد کند و بپذیرد که این کار را به انجام برساند. این بدون کفایت و لیاقت امکانپذیر نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲). در واقع یک مسئول در زمینه

آن مسئولیتی که پذیرفته هم باید دارای تخصص و هم متعهد باشد. وقتی چنین فردی در رأس مدیریت قرار گیرد، کیفیت فعالیت‌ها هم به‌طور فزایندهای بهبود می‌یابد، زیرا مدیریت شایسته، محور اصلی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها به‌شمار می‌آید.

٦. ساده‌زیستی

با وجود اینکه ساده‌زیستی برای تمام افراد جامعه ارزش محسوب می‌شود، اما برای مسئولان و مدیران جامعه، یک ضرورت است. این ضرورت از حکومت علوی درک می‌شود که امیرمؤمنان فرمانده کل قوای اسلامی از همه زیردستانشان زندگی ساده و فروتری داشتند. «در زمان ایشان ساده زیستی یک معیار و ملاک برای انتخاب زمامداران بوده تا کارگزاران حکومت بتوانند درسایه زهد و زندگی حداقلی، جامعه را به مقصد بلند عدالت اجتماعی نائل نموده و مردم را به رفاه آسایش رسانیده وآبادی، عمران و توسعه زندگی را به سرزمین‌های مسلمین تسرّی دهند» (ریعان، ۱۳۹۱: ۳۹). ازاین‌رو امام علی در سخنی فرمودند: «. . . إِنَّ اللَّهَ تَعالی فَرَضَ عَلی أَئِمَّةِ الْحَقِّ أَنْ یقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بَضَعَفَةِ النَّاسِ کیلا یتَّبَیغَ بِالْفَقیرِ فَقْرُهُ؛ همانا خدای بزرگ بر پیشوایان دادگستر واجب کرده است، که خود را با ضعیف‌ترین مردم برابر نهند، تا مبادا تنگدستی، نیازمند را به هیجان وطغیان وادارد» و در جایی دیگر می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِی إِمَاماً لِخَلْقِهِ فَفَرَضَ عَلَی التَّقْدِیرَ فِی نَفْسِی وَ مَطْعَمِی وَ مَشْرَبِی وَ مَلْبَسِی کضُعَفَاءِ النَّاسِ کی یقْتَدِی الْفَقِیرُ بِفَقْرِی وَ لَایطْغِی الْغَنِی غِنَاهُ؛ خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده است که دربارهٔ خودم و خوراک و پوشاکم مانند مردمان ناتوان عمل کنم تا اینکه فقیر به سیرهٔ فقیرانهٔ من تاسی کند و ثروتمند به وسیلهٔ ثروتش سرکشی و طغیان نکند» (کلینی، ١٤٠٧: ٤١٠/١). به همین علت، وقتی به امام خبر می‌رسد که کارگزار او «عثمان بن حنیف» در بصره به میهمانی یکی از ثروتمندان شهر رفته که در آن میهمانی، غذاهای رنگارنگ تدارک دیده شده و جای فقرا خالی بوده است، او را سخت سرزنش و به وی گوشزد می‌کند که «گمان نمی‌کردم تو میهمانی مردمی را بپذیری‌که نیازمندانشان به جفا رانده شده‌اند» (سید رضی، ١٤١٤: ٤١٧). در واقع هدف امام از تذکر به والیان بیان این مطلب بود که هم‌نشینی با اصحاب زر و تزویر علاوه بر بی‌اعتمادی مردم عواقب فراوان دیگری از جمله فراموش‌نمودن مشکلات جامعه و بی‌عدالتی به‌دنبال دارد که در این صورت ضرب‌های بزرگ بر پیکر اجتماع اسلامی وارد می‌آید. از منظر علوی یک گارگزار اقتصادی با عملکرد توحیدی خود باید در تصرف مال، قوای جسمی و فکری خود حدودی را که خداوند تعیین نموده رعایت نماید؛

زیرا، در برابر خداوند متعال مسئول است. پس زیبنده است مسئولان نظام اسلامی که به‌دنبال حکومت پیامبر و امیرالمؤمنین علیهما السلام هستند، مسئله ساده‌زیستی را مورد توجه قرار داده و با روحیه اشرافی‌گری و شهوت‌رانی به‌شدت مقابله نمایند. رهبرانقلاب فرمودند: «اگر بخواهیم تجمل و اشرافی‌گری را که واقعاً بلای بزرگی است از جامعه ریشه‌کن کنیم با حرف و گفتن نمی‌شود که از یک طرف بگوییم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند که عملمان جور دیگر است، باید عمل کنیم، عمل ما بایستی مؤید و شاهد برگفته‌هایمان باشد تا اثر بکند. فاصله‌تان را با طبقات ضعیف، کم نگه دارید و هرچه ممکن است آن را کمتر کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷).

ج. آثار اندیشه توحیدی بر پیشگیری از مفاسد اقتصادی

با توجه به آموزه‌های اسلامی رفتار هر فرد تحت تأثیر باورها و ارزش‌های او به عرصه ظهور می‌رسد که این باورها همانند یک واکسیناسیون زمینه‌های فساد را در افراد از بین برده و آنها را از وسوسه‌های شیطانی مصون می‌سازد. لذا برای اصلاح رفتار و جلوگیری از فساد باید باور و اعتقاد افراد تقویت گردد، در غیر این صورت باید با انهدام جامعه مواجه شد. در عصر کنونی که بسیاری از جوامع با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند تقویت و توجه به ارزش‌های دینی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و پیشگیری از فساد موثر خواهد بود. در ادامه به برخی از آثار بینش توحیدی در پیشگیری از فساد اقتصادی می‌پردازیم.

۱. نفی تبعیض و ویژه‌خواری

یکی از اهداف اساسی دین الهی تحقق عدالت است و قیام همهٔ انبیا و نزول کتاب برای این بوده که مردم از تبعیض و ظلم نجات یافته و در سایهٔ عدل الهی زندگی نمایند. این عدالت می‌تواند زمینه‌های رشد مادی و معنوی افراد و سرزمین‌ها را فراهم و عاملی در جهت گسترش اسلام باشد. حضرت امیر فرمودند: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحانَهُ الْعَدْلَ قِواماً لِلْانامِ وَ تَنْزیها مِنَ الْمَظالِمِ وَ الْاثامِ وَ تَسْنِیةً لِلْاسْلامِ» (تمیمی آمدی، ۱۳٦٦: ۹۹)؛ خداوندسبحان، عدالت را مایه استواری مردم، پاکی از ستم‌ها و گناهان و سرافرازی اسلام قرار داد. یکی از مصادیق عدالت در اجتماع، عدالت در زمینهٔ اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی است. بدین معنا که در یک نظام عادلانه باید تمامی ثروت به‌صورت یکسان، میان همگان توزیع و از فساد پرهیز گردد نه اینکه به بیان رهبری انقلاب «کسانی با زرنگی، با زبان چرب و نرم و چهره حق به جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پُر کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

یا از موقعیت اجتماعی خود برای ثروت‌اندوزی بهره بگیرند و بیت‌المال را مال‌البیت خود قرار دهند که بدین روش فساد در جامعه گسترش یابد. همین که روزبه‌روز بر فاصله طبقاتی افزوده شود به گونه‌ای که عده‌ای با خیانت در امانت، پرداخت رشوه و سوءاستفاده از قدرت روز به روز ثروتمندتر شده وخود را رئیس در برابر خدا و خلق خدا بدانند نه مسئول و دیگران که از چنین قدرتی برخوردار نیستند فقیرتر گردند باید با تخریب بنیان اقتصادی جامعه مواجه شد؛ زیرا، مردم بیش از فقر از تبعیض‌آسیب می‌بینند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰).

این درحالی است که برخورداری کارگزاران از اندیشه توحیدی قوی و سرایت‌دادن آن در عمل سعادتمندی دنیوی و اخروی را در پی دارد و بدین ترتیب، مصالح هر یک از افراد جامعه به بهترین روش تأمین می‌گردد. به‌عبارتی نگاه توحیدی انسان را از کسب روزی حرام، حرص، ارتشاء، استفاده شخصی از بیت‌المال و در نتیجه فساد برحذر می‌دارد. رهبر انقلاب در سخنی فرمودند: «همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۱). همان گونه که امام علی علیه‌السلام در نخستین روزهای به‌دست‌گرفتن خلافت خداباوری را سرلوحه کار خود قرار داده و با تمام امتیازها و رانت‌هایی که برخی از سرشناسان، مثل عثمان در ظاهر به‌صورت قانونی از آن برخوردار بود، به مبارزه برخاستند. عثمان قطعه زمین‌های زیادی را در اختیار نزدیکان خود به‌عنوان «تیول» قرار داده بود. حضرت امیر علیه‌السلام به محض به‌دست گرفتن خلافت بدون هیچ ملاحظه خویشی و موقعیت سیاسی، این تیول‌ها را به مسلمانان برگردانده و فرمودند: «وَ اللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تُزُوِّجَ بِهِ النِّسَاءُ وَ مُلِک بِهِ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُه؛ به خدا، اگر ببینم که به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را باز می‌گردانم» (سید رضی، ۱٤۱٤: ۵۷). این‌گونه برخورد قاطعانه سبب شد که حضرت مخالفان و منتقدان زیادی داشته باشند امّا برای ایشان عدالت، زینت و آرایه فرمانروایی و برابر با حیات و زندگی است «الْعَدْلُ حَیاةٌ الْجَوْرُمَمْحَاة» (نوری، ۱٤۰۸: ۳۱۸/۱۱) به‌دنبال همین برخورد به دورازاغماض، جنگ جمل برپا شد. درواقع امیرالمؤمنین به قیمت جنگ جمل در برابر مال حرام ایستادند والّا جنگ جمل علتی غیر از مال حرام نداشت. حضرت همان کارگزار مسئولیت‌پذیر موحدی بودند که حرص و طمع دنیا ایشان را فریب نداد که در امانت‌های مردم خیانت کنند و به ثروت‌اندوزی بپردازند. همچنان که اشعث بن قیس چنین خیالی در سرداشت. او از سردمداران منافقان و از دشمنان سرسخت حضرت امیر علیه‌السلام بود به خیال اینکه با دادن چشم‌روشنی، تحت عنوان هدیه، می‌تواند به علی علیه‌السلام نزدیک شود حلوایی را، شب هنگام به درب منزل حضرت

می‌رساند. امام علیه‌السلام از او می‌پرسد: آیا بخشش است یا زکات و یا صدقه؟ زکات و صدقه، بر ما اهل‌بیت حرام است او در پاسخ می‌گوید: هدیه است. علی علیه‌السلام در پاسخ به او می‌فرمایند: زنان بچه مرده بر تو بگریند! آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی یا عقلت آشفته شده و یا جن زده شدی آیا هذیان می‌گویی؟ «والله لوأُعْطِیتُ الأقالیمَ السبعة بما تحتَ أفلاک‌ها علی أنْ أعصی اللهَ فی نَمْلةٍ أسْلُبُ‌ها جُلْبَ شعیرةٍ ما فَعَلتُهُ! و إنَّ دنیاکم عندی لأهون من وَرَقةٍ فی فمِ جَرادَةٍ تَقْضَمُها! ما لعلیٍّ و لِنَعیمٍ یَفنی و لذةٍ لا تبقی (سید رضی، ١٤١٤: ٣٤٧)؛ سوگند به خدا! اگر هفت اقلیم را، با آنچه در زیر آسمآنهاست، به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد! و همانا دنیای آلوده شما، نزد من، از برگ جویده شده دهان ملخ، پست تر است! علی را با نعمت‌های فناپذیر ناپایدار چه کار؟» امیرالمؤمنین علیه‌السلام موحدی به تمام معنا بودند که تا پای جان برای اطاعت از فرامین خداوندی، احقاق حق و حفاظت از بیت‌المال تلاش نمودند. حضرت حتی نسبت به واگذاری زمین و مانند این‌ها به خواص بسیار حساس بوده و سخت مراقبت می‌نمودند. به گونه‌ای که در عهدنامه مالک اشتر او را از این امر به‌شدت پرهیز داده و توصیه نمودند که: «وَ لَاتُقْطِعَنَّ لِأَحَدٍ مِنْ حَاشِیتِک وَ حَامَّتِک قَطِیعَة؛ و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را به بخشش وا مگذار» (همان، ٤٣٩). رهبر عظیم انقلاب هم با تاسی از بیانات مولی‌الموحدین علیه‌السلام در بیانیهٔ گام دوم به این موضوع پرداخته و فرمودند: «درجمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان‌دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد به شدت ممنوع است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۱). سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌عنوان اولین مؤمن به پروردگار برای همگان به‌ویژه مسئولان اقتصادی توحیدمدار الگو است.

۲. امربه معروف و نهی از منکر

یکی از واجبات و فرائض دینی که خداوند متعال بارها در قرآن کریم همگان را به انجام آن سفارش نموده امر به معروف و نهی از منکر است که این نشان‌دهنده اهمیت بارز این مسئله است. امر به معروف و نهی از منکر یعنی انسان علاوه بر اینکه به مصالح خویش بیندیشد، باید در برابر دیگر افراد جامعه و هم‌نوعان خود نیز احساس مسئولیت کند. به‌عبارتی فرد مسلمان باید مسئولیت قیام برای اصلاح ودگرگونی به‌سوی کمال وتعالی را بپذیرد (الصفار، ۱۳۷۲: ٥٦). بنابراین اگر همگان از مردم تا مسئولان به‌درستی به این وظیفه خود عمل کنند، درصد خطا و اشتباه یا انحراف کارگزاران جامعه به

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی ، سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص: ۸۳-۱۰۴
نقش توحیدباوری در پیشگیری از مفاسد اقتصادی کارگزاران از منظر نهج‌البلاغه
حمیدرضا سروریان جونقانی و همکاران

صفر می‌رسد. هرکسی با هر جایگاهی که دارد، اگر ببیند عده‌ای از مقام خود سوءاستفاده می‌نمایند آنها را هشدار داده و از بدی‌ها باز می‌دارد تا دستورات الهی نیز ارزش خود را در متن جامعه پیدا کند و گناه در آن جامعه کمتر رخ دهد. از طرفی دیگر کارگزاران و حاکمان اسلامی و توحیدمدار هم نباید از امر به معروف و نهی از منکر زیردستان خود و مردم عادی آزرده شوند، بلکه باید آمران به معروف و ناهیان از منکر را گرامی داشته و آنان را بر چاپلوسان و کسانی که همواره بر وفق‌مراد سخن گفته و همهٔ امور و مسائل را عادی و بی‌اشکال جلوه می‌دهند، ترجیح دهند. حضرت امیر علیه‌السلام، در این‌باره به مالک اشتر چنین توصیه می‌کنند: «ثُمَّ لْيَكُنْ آثَرُهُمْ عِنْدَک أَقْوَلَهُمْ بِمُرِّ الْحَقِّ لَک وَ أَقَلَّهُمْ مُسَاعَدَةً فِيمَا يَكُونُ مِنْک مِمَّا كَرِهَ اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ وَاقِعاً ذَلِک مِنْ هَوَاک حَيْثُ وَقَعَ؛ و آن کس را بر دیگران بگزین که سخنِ تلخِ حق را به تو بیشترگوید، و در آنچه کنی یا گویی و خدا آن را از دوستانش ناپسند دارد کمتر یاری‌ات کند» (سید رضی، ۱٤۱٤: ٤۳۰). اگر امر به معروف و نهی از منکر تأثیری نداشت و دوباره به کار ناپسند خود ادامه دادند باید مسئله را به مرجع قضایی ارجاع دهند تا بدین روش از فساد جلوگیری شود، چرا که به بیان رهبر معظم انقلاب «دستگاه قضا پیش‌قراول مبارزه با فساد است که اگر از شرایط لازم برخوردار باشد وکار درست بکند، فساد، تباهی، ظلم، تبعیض و فسق و بقیه چیزهایی که یک جامعه را فاسد و زمین‌گیر می‌کند، ریشه‌کن خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳٦۹). بدین ترتیب امر به معروف و نهی از منکر هم می‌تواند نقش بازدارندگی و پیشگیری را ایفا کند و به حفظ و ارتقای سلامت فردی و اجتماعی کمک کند و هم می‌تواند نقش درمان و رشد را ایفا نموده و از گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های گناه و فساد پیشگیری کند. پس وقتی آتش فساد و رشوه‌خواری دامنگیر برخی از کارگزاران و دولتمردان می‌گردد، نظارت‌ها و مراقبت‌ها باید به‌صورت عمومی و همگانی توسط افرادی خداترس و با تقوا به‌صورت جدی‌تری دنبال شود.

۳. اجرای مساوات در بیت‌المال

از دیگر آثار اندیشه توحیدی بر فعالیت‌های اقتصادی و پیشگیری از فساد، تقسیم مساوی بیت‌المال است. این امر از جلوه‌های بارز توحید عملی در رفتار اقتصادی امام علی علیه‌السلام است که فرمودند: «همان گونه که پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌طور مساوی تقسیم نمودند من نیز عمل کردم تا اموال مانندگوی در بین ثروتمندان قرار نگیرد» (محمدی‌ری‌شهری، ۱٤۲۱: ۱۲٤/٤). حضرت امیر علیه‌السلام تمامی فعالیت‌های خود را با انگیزه خداگرایی و بدون داشتن ذرهای مسامحه انجام می‌دادند. ایشان در تقسیم

بیت‌المال میان عرب و عجم تفاوتی قائل نشده و نهایت صرفه‌جویی را در هزینه بیت‌المال رعایت می‌نمودند. پس از تقسیم سرانه بیت‌المال، آنجا را جارو می‌کردند، و آنگاه دو رکعت نماز به جای آورده و می‌گفتند: ای بیت‌المال در روز قیامت شهادت بده که من چیزی از اموال مسلمانان را در تو ذخیره نکردم (ثقفی، ۱٤۱۰: ۳۳/۱). امیرمؤمنان علیه‌السلام با خائنان بیت‌المال برخوردی قاطع و خردکننده داشته و مصمّم بودند که چنین افرادی باید در اختیار عدالت قرار گرفته و به اشد مجازات برسند. حضرت در نامه خود به عبدالله بن عباس و نکوهش او به خیانت در اموال عمومی فرمودند: «فَاتَّقِ اللَّـهَ وَارْدُدْ إِلَـى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُم فَإِنَّک إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ أَمْكَنَنِي اللَّهُ مِنْک لَأُعْذِرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيک، وَلَأَضْرِبَنَّک بِسَيفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَداً إِلَّا دَخَلَ النَّارَ وَ وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَينَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ وَلَا ظَفِرَا مِنِّي بِإِرَادَةٍ، حَتَّى آخُذَ الْحَقَّ مِنْهُمَا، وَأُزِيحَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتِهِمَا؛ پس از خدا بیم دار و مالهای این مردم را باز سپار، و اگر نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم کیفریت دهم که نزد خدا عذرخواه من گردد، و به شمشیریت بزنم که کس را بدان نزدم جز که به آتش در آمد به خدا اگر حسن و حسین چنان کردند که تو کردی از من روی خوش ندیدندی، و به آرزویی نرسیدندی، تا آنکه حق را از آنان بستانم و باطلی را که به ستمشان پدید شده نابودگردانم» (سید رضی، ۱٤۱٤: ٤۱٤)؛ بدین ترتیب امام در راستای احقاق حقوق مردم با هیچ‌کس حتی فرزندان خود ملاحظه کاری ندارند و برخورد با مسئولان فاسد را از اهداف حکومتی خود می‌دانند. با این بیان بینش توحیدی و تقویت آن راهکاری برای جلوگیری از سرقت بیت‌المال است. وجود این نوع باور و بینش در کارگزاران اسباب جلوگیری از طغیان شهوات را در آنها فراهم آورده و جایی برای فساد باقی نمی‌ماند. در واقع همه دست اندرکاران مالی و اقتصادی که پایبند به قوانین توحیدی هستند منتهای تلاش و کوشش خویش را به کارگرفته تا رضایت و خشنودی خداوند متعال را بر خواسته‌های نفسانی خود ترجیح داده و در بیت‌المال تبعیض روا ندارند، به‌عبارتی علوی‌گونه رفتار نمایند. رهبر انقلاب در بیانی فرمودند: «هرکس که بیت‌المال مسلمین را ملک خود به‌شمار آورد یا به زبان بگوید و اگر نمی‌گوید در عمل آن طور وانمود کند که ما این قدرها حق داریم و با بیت‌المال مثل اموال شخصی خود رفتار کند یا بخورد یا ببخشد یا در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند نمی‌تواند دنباله‌رو علی باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰).

٤. مبارزه با کم‌فروشی

یکی از مصادیق فساد در زمین که به‌طور مکرر در آیات و روایات نکوهش گردیده، مسئله

کم‌فروشی است. همهٔ پیامبران الهی و معصومان بعد از مبارزه با شرک و بت پرستی بر مبارزه با کم‌فروشی تأکید داشتند؛ زیرا کم‌فروشی سرمایه اعتماد و اطمینان را که از ارکان مهم مبادلات است از بین می‌برد و نظام اقتصادی را متزلزل می‌گرداند. مطابق آیات قرآن سعادت ابدی انسان تنها در پرتو یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فسادانگیزی است که این مسئله در ماجرای قوم شعیب تبیین شده است. در آیهٔ ۸٤ سورهٔ هود در این باره آمده است: ﴿وَ إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَ لَا تَنْقُصُوا الْمِكيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ﴾؛ و ما به‌سوی اهل مدین برادرشان شعیب را (به رسالت فرستادیم)، وی گفت:ای قوم، خدای یکتا را که شما را جز او خدایی نیست پرستش کنید و در کیل و وزن کم‌فروشی نکنید، من خیر شما را در آن می‌بینم (که با همه عدل و انصاف کنید) و (اگر ظلم کنید) من می‌ترسم از روزی که عذابی سخت شما را فراگیرد». مطابق این آیه حضرت شعیب بر مسائل اقتصادی جامعه توجه و نظارت داشته و درصدد سلامت و بهبود زندگی مردم بودند که ایمان کامل و اقتصاد سالم، تأمین‌کننده سعادت دنیوی و آخروی آنهاست. همان گونه که بهم‌ریختگی نظام اقتصادی سرچشمه فساد وسیع در جامعه خواهدبود مطابق این آیهٔ شریفه که می‌فرماید:﴿وَيا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكيَالَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَلا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِين﴾؛ای قوم، در سنجش وزن و کیل اجناس عدالت کنید و آن را تمام دهید و به مردم کم نفروشید و در زمین به فساد برنخیزید» (هود: ۸۵). بدین ترتیب مبارزه با کم‌فروشی تنها درحوزهٔ مسائل اقتصادی و مالی خلاصه نمی‌شود. به نوعی کارگری که در کار خود کم می‌گذارد، آموزگار و استادی که درست درس نمی‌دهد، کارمندی که به موقع سرکار خود حاضر نشده و وجدان کاری ندارد، مدیری که با وظایف مدیریتی خود آشنا نیست ولی در پایان ماه، حقوق و دستمزد کاملی را مطالبه دارد، کم‌فروشی می‌کنند. کسی که گرفتار کم‌فروشی است هرچند به گمان خود، ثروتی را اندوخته و بهره‌ای بیشتر از مادیات دنیا می‌برد، اما باید بداند که این افزایش ثروت هرگز در قالب خیر برای او در نمی‌آید و او نمی‌تواند از آن بهره‌مند و به آسایش و آرامش برسد. ازاین‌روست که کم‌فروشی نه‌تنها موجب برکت و خیر نیست، بلکه مانعی جدی در بهره‌مندی شخص از نعمت‌ها و مواهب مادی دنیوی است. اگر جامعه‌ای بخواهد به‌سوی کم‌فروشی نرود و عدالت اقتصادی بلکه عدالت جامع را تجربه کند می‌بایست بر این عناصر بینشی و نگرشی تأکید و توجه داشته باشد اما تنها با افزایش مأموران نظارتی نمی‌توان به این مهم دست یافت؛ چرا که انسان باید وجدانی به نام فطرت الهی بیدار، داشته باشد تا بتواند از درون، خود را نظارت، مدیریت و مهار نماید که اگر چنین پلیس

داخلی و پاسبان نفس نباشد نمی‌توان امید داشت که از کم‌فروشی رهایی یافت. بنابراین یکی دیگر از آثار اندیشه توحیدی این است که کارگزاران خداشناس همواره به مسئولیتی که به آنها واگذار گردیده توجه دارند و تلاش خود را بر این قرار می‌دهند که وظایف خود را به‌درستی انجام نموده و در حیطه کاری که به آنها سپرده شده کم نگذارند؛ چرا که این مسئولیت‌ها خدایی بوده و باید در راه پیشبرد اهداف نظام و انقلاب از آن به درستی حفاظت و پاسداری نمایند. اسلام، خواهان برقراری امنیت در جامعه است ازاین‌رو، با راه‌هایی که امنیت مردم را به خطر می‌اندازند از جمله مفاسد اقتصادی، مخالف است (گل‌مکانی و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۳۵/۳٤).

نتیجه‌گیری

آمادگی برای مبارزه با مفاسد یکی از نیازهای همیشگی جامعه اسلامی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی است. همان گونه که در عَلوی‌ترین حکومت تاریخ مسئله فساد پُررنگ بوده و وسوسهٔ مال و مقام کسانی را لغزاند، اما حضرت به محض به‌دست گرفتن خلافت قدم‌های جدی برای ریشه‌کن نمودن آن برداشتند. پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم بعید نبوده و نیست فقط باید همه افراد جامعه دست به‌دست هم داده و برای دفع و رفع آن تلاش نمایند. در این نوشتار بیان شد که مهم‌ترین وسیله بازدارنده از فساد چه فساد اقتصادی و چه دیگر مفاسد توجه به فطرت همیشه بیدار و اعتقادات قلبی به‌ویژه اعتقاد به خداوند است چون زندگی بشر در طول تاریخ با اعتقاد به خدا همراه بوده و بشر با فطرت خدادادی خود، خدا را برای آفرینش جهان اثبات می‌کند. پس آنچه از او خواسته شده، موحدبودن است و اینکه موحدبودن خود را همانند حضرت علی‌علیه‌السلام در سراسر زندگی دنیوی جاری و ساری نماید. کارگزاران اقتصادی نظام اسلامی هم می‌بایست با تأسی از سیره حضرت امیرعلیه‌السلام، توحید را در رأس فعالیت‌های خود قرار داده و تنها برای جلب رضایت و خشنودی خداوند قدم بردارند. آنها باید به‌دنبال مهم‌ترین هدف و آرمان جامعه اسلامی یعنی عدالت بوده و با موانع آن از جمله تبعیض، ویژه خواری، ظلم و ستم مبارزه نمایند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ش.
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، مصحح صبحی صالح، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.
۳. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، ١٤١٤ق.
٤. الصفار، حسن موسی، تصویر زندگی در نهج‌البلاغه، ترجمه: لطیف راشدی، تهران: نشر نسل جوان، ۱۳۷۲ش.
٥. انصاریان، حسین، زیبایی‌های اخلاقی، قم: دارالعرفان، ١٣٨٦ش.
٦. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات، ١٣٦٦ش.
۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، محقق: عبدالزهراء حسینی، قم: دارالکتاب الإسلامی، ١٤١٠ش.
۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، مصحح: علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر، ١٤١٤ق.
۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، سایه سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهیان)، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ش.
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیهٔ گام دوم انقلاب، https://farsi. khamenei. ir/message-content?id=٤١٦٧٣، ۱۳۹۷ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم: غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی، ١٣٧٤ش.
۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم: هجرت، ١٤٠٩ق.
١٤. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- الإسلامیة)، مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد

آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱٤۰۷ق.
۱۵. گروه بنیادین حکومتی، درآمدی بر مسئله فساد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹٤ش.
۱٦. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱٤۰۳ق.
۱۷. محمدی ری‌شهری، محمد، موسوعة الامام علی بن ابی‌طالب، قم: دارالحدیث، ۱٤۲۱ق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷٤ش.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸٦ش.
۲۰. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام ۱٤۰۸ق.
۲۱. ولایی، عیسی، ارتداد در اسلام، بی‌تا، نشر نی، ۱۳۹٦ش.
۲۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸٦ش.
۲۳. رحیمیان، نرگس، «بررسی فساد اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن» مجله اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۹۳ش.
۲٤. ریعان، معصومه، «ساده‌زیستی کارگزاران دکترین علی در اجرای عدالت اجتماعی»، دومین همایش ملی نهج‌البلاغه و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان، ۱۳۹۱ش.
۲۵. گل‌مکانی، وجیهه و همکاران، «نقش کارگزاران امام علی علیه‌السلام در تأمین امنیت اقتصادی»، مطالعات تاریخ اسلام، سال نهم، شماره ۳٤، ۱۳۹٦ش.
۲٦. ۲٤. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www. farsi. khamenei. ir.